

#### خوشا به حال احمدی نژاد

طرفه آنکه آنان که باید انتقاد کنند –کارشناسان مستقل از قدرت– کم حرف می‌زنند و آثانی که باید سکوت اختیار کنند، پُر حرف شده‌اند. تغییر وضعیت موجود نیازمند مفاهیم تازه است و آدم‌هایی با رویکردهای تازه که کارنامه کاری‌شان سفید باشد، نه آدم‌هایی با کارهای شکست‌خورده که بیش از هر چیز درصد متفاوت جلوه‌دادن خودشان هستند؛ آن‌هم متفاوت جلوه‌دادن از وضعیتی که خود در آن شریک‌اند. شاید از نظر روان‌شناختی متفاوت حس‌کردن خود، خوشایند باشد؛ اما در سیاست هیچ تأثیری ندارد و این انتقادات بیشتر موضع‌گیری است و بس. موضع‌گیری‌هایی که هیچ چیز را بی‌ثبات نمی‌کند. از منظر دیگر برخی منتقدان، در بزنگاه‌هایی به رویارویی با دولت برمی‌خیزند تا مشروعیت خود را نزد مردم بازایانسد. عملی برای احیای خود، نه تغییر و احیای جامعه سیاسی. آنچه مسلم است این است که مردم مشارکتی در این انتقادات ندارند و حرف و حدیثی تحریک‌شان نمی‌کند. در برابر منتقدان سرد و بی‌تفاوت‌اند؛ چراکه منتقدان را در این مشکلات بیشتر دخیل می‌دانند. با این اوصاف، مجموعه این انتقادات بی‌ثمر نیست و زمانی به کار مخالفان خواهد آمد؛ زمانی که مشکلات داخلی و خارجی به طور کامل لاینحل بماند و برای برون‌رفت از آن نیاز باشد کسی سهم بیشتری از این مصائب را بر گردن بگیرد و در آن زمان چه گزینه‌ای بهتر از دولت روحانی که زمینه‌های قربانی‌شدنش نیز فراهم شده است. آنچه باید از اصولگرایان آموخت، این است که تا لحظات پایانی دولت احمدی‌نژاد با همه اختلاف‌نظرها در کنار احمدی‌نژاد ماندند. هنوز هم برخی اصولگرایان با اینکه تششِ رئیس دولت نهم و دهم از بام افتاده، لب به دندان گزیده و دم نمی‌زنند. درست است که این عملکرد سَم مهلکی برای توسعه دموکراسی است؛ اما نقیض آن هجمه به دولت روحانی نیست. آن‌هم به انگیزه‌ای که نسبتی با توسعه سیاسی و دموکراسی ندارد و بیش از هر چیز بوی سودای مشروعیت‌طلبی و منفعت از آن به مشام می‌رسد.

اگر این‌ روزها روحانی به حال و روز احمدی‌نژاد در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش غیظه بخورد، جای تعجب ندارد. دولت احمدی‌نژاد آن روی سکه دولت روحانی است. دولتی جسور که با جسارت دست به اشتباهاتی بزرگ می‌زد و پشت آن می‌ایستاد و حامیانش با آگاهی از این اشتباهات از او اطاعت می‌کردند. این اطاعت همان خسارتی را به بار آورده است که حامیان دولت روحانی با انتقادات مکرر خود به‌ظاهر درصد تحریک‌بخشیدن به دولت هستند؛ اما انکار هم‌وغم‌شان بیشتر جدایی از سرنوشت محتوم روحانی است. این رویکرد اصالت داشته باشد یا نه، تنهایی‌آزاد‌هنسده‌ای را به روحانی تحمیل می‌کند؛ تنهایی‌ای که او را وامی‌دارد تا بیش‌ازپیش به حلقه نزدیکان خود پناه ببرد.

**محمد مساعد:** هرآنچه بر ضد منافع ملی ما باشد، بدون لحظه‌ای درنگ وتو می‌کنم. این جمله‌ای است که بیژن نامدارزنگنه، وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران، روز پنجشنبه در گفت‌وگو با خبرنگار بلومبرگ بر زبان رانده و در خلال سخنانش بر آن تأکید کرده است؛ تأکیدی که نشان می‌دهد ایران تمام توان خود را به کار گرفته تا در مقابل تصمیمات اخیر برخی کشورها، حول محور آمریکا برای استفاده از ابزار اوپک برای کاهش هزینه تحریم نفتی ایران ایستادگی کند. درحالی‌که برخی کشورهای عربی عضو اوپک در کنار برخی کشورهای تولیدکننده نفت غیرعضواوپک در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند این پیام را به جهان منتقل کنند که با افزایش تولید، همه تکرانی‌ها را درباره کمبود عرضه نفت در غیاب نفت ایران رفع خواهند کرد، ایران تلاش می‌کند این پیام را به اعضای اوپک منتقل کند که اصرار بر حفظ منافع سیاسی برخی کشورها، نه‌تنها به ضرر اوپک خواهد بود، بلکه در بلندمدت به همان کشورهای منخاص با ایران نیز آسیب خواهد رساند. در همین شرایط دونالد ترامپ از افزایش قیمت نفت که منجر به افزایش هزینه سوخت در آمریکا نیز خواهد شد و به علت اهمیت آن برای طبقه متوسط آمریکا می‌تواند بر انتخابات پیش روی آن کشور تأثیر بگذارد، نگران است. ترامپ برای آنکه به مخاطبان خود این اطمینان را بدهد که بار دیگر عظمت را به آمریکا باز خواهد گرداند، در توییتر خود به کشورهای هم‌پیمانش در خاورمیانه حمله کرد و به آنها هشدار داد اگر قیمت نفت را کاهش ندهند از امنیت آنها که به گفته ترامپ حاصل تلاش آمریکاست خبری نخواهد بود.

##### وتوی زنگنه

بیژن نامدارزنگنه، وزیر نفت ایران، در گفت‌وگو با بلومبرگ درباره تصمیمات کمیته مشترک وزارتی نظارت بر توافقی کاهش عرضه نفت اوپک و غیراوپک (JMMC) گفت: به اعتقاد ما این کمیته هیچ حقی برای تصمیم‌گیری ندارد، زیرا اختیار قانونی ندارد و از نظر حقوقی دارای صلاحیت نیست که درباره هیچ مسئله‌ای به تصمیم برسد،

### اقتصاد



#### زنگنه تهدید کرد:

## بدون درنگ وتو می‌کنم

ضمن اینکه نظارت آن هم تعیین‌کننده نیست. زنگنه در ادامه تأکید کرد: اگر پیشنهاد کمیته وزارتی وارد نشست وزارتی در اوپک شود، بدون لحظه‌ای تردید، بی‌گمان من هر تصمیمی را که منافع ملی را تهدید کند وتو می‌کنم. تأکید می‌کنم هر تصمیمی که حتی کوچک‌ترین خطری برای منافع ملی داشته باشد بدون هیچ تردیدی من بر سر راه آن خواهم ایستاد. زنگنه در بخش دیگری از این گفت‌وگو گفت: آمارها و برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا حکایت از این دارد که بازارهای جهانی نفت خام تحمل عدم حضور نفت خام ایران را ندارند.

##### تاریخ پیوندهای نامبارک

ایجاد اتحادهای اقتصادی میان رقبای سیاسی سابقه‌ای طولانی دارد. ۴۴ سال قبل، در سال ۱۳۵۴ و در زمانی که جدال ایران با غرب بر سر قیمت نفت بالا گرفته بود، رایتی‌های متعددی از



طرف عربستان و سپس آمریکا بر سر حفظ قیمت نفت صورت می‌گرفت. اسدالله علم، وزیر دربار و پیشکار محمدرضا پهلوی، در یکی از یادداشت‌های خصوصی خود که سال‌ها در صندوق امانات یک بانک سوئیس نگهداری و سپس توسط خانواده‌اش منتشر شدند، درباره یکی از روزهای تابستان سال ۵۴ و ماجرای نامه شدیدالحن و محرمانه جرالد فورد، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، به شاه در مخالفت با افزایش قیمت نفت که از سوی ایران حمایت می‌شد و پاسخ محرمانه و تند شاه ایران به فورد می‌نویسد: «بعد [محمدرضا پهلوی] فرمودند: دیدی این فورد احمق به ما چه نوشت؟ عرض کردم شش ماه هم در جواب حسابش را رسیدید. فرمودند آخر چرا نوشت، چرا باید چنین چیزی بنویسد؟ عرض کردم سابقا به عرض رساندم که این مکاتبات و آمدورفت سعودی‌ها به دستور آنهاست. حالا که تیر آنها به

#### بخش‌نامه‌های مکرر دولت به اصلاح روابط تجاری با افغانستان و عراق رسید

## استثنائات دردرس‌راز

افغانستان را هم روانه سامانه نیما کند؛ اما این تصمیم دولت با اعتراض صادرکنندگان دیگر محصولات ازجمله فعالان صنعت کفش مواجه شد. این‌فعالان معتقدند که تجارت با افغانستان و عراق به صورت ربالی انجام می‌شود و ارزی برای ارائه به سامانه نیما وجود ندارد. اظهارات این صادرکنندگان خرد، با واکنش‌های متفاوتی از سوی کارشناسان مواجه شده است. برخی کارشناسان بر این باورند که به جز صنایع بزرگ، دیگر صنایع باید از پرداخت ارز حاصل از صادرات به سامانه نیما معاف شوند و بخش دیگر نیز تأکید دارند که برخی استثنائات نباید منجر به کاهش تلاش دولت برای ایجاد شفافیت در ورود و خروج ارز به کشور شود. بازار عراق و افغانستان به‌عنوان دو کشور همسایه ایران که هنوز هم درگیر جنگ‌های پراکنده داخلی هستند، اگرچه بازار امنی برای بسیاری از کشورهای جهان نیست؛ اما همین بازار نیمه‌امان را هم به‌راحتی در اختیار ایران قرار نمی‌دهند. فعالان تجاری می‌گویند نام شرکت‌های ایرانی در فهرست شرکت‌کنندگان در مناقصه‌های پروژه‌های عمرانی این دو کشور هیچ‌گاه در اولویت نیست؛ باوجوداین دولت در نخستین روزهایی که سامانه نیما را راه‌اندازی کرد، صادرات به عراق و افغانستان را مشمول استثنائاتی ازجمله معافیت ارائه ارز حاصل از این صادرات در سامانه تازه راه‌اندازی‌شده نیما کرد. همین امتیاز کوچک به‌راحتی محصول صنایع بزرگ را به سمت بازار این دو کشور روانه کرد و البته برای دیگر صادرکنندگان محصولات غیرنفتی دردرس‌راز شد. کاظم جلالی در حساب توییتر خود نوشت: «پس از اعلام قیمت دستوری چهارهزارو ۲۰۰ تومان برای دلار از سوی دولت در اوایل سال ۹۷ اعلام شد که صادرکنندگان به عراق و افغانستان از عرضه ارز حاصل از صادرات در سامانه نیما معاف هستند. پس از این ماجرا آمار کم‌رک نشان از حرکت موجودی انبارهای مس و فولاد به سمت کشورهای عراق و افغانستان دارد که عمدتا به دلیل استفاده از تفاوت ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و بازار آزاد است. بازار محصولات فولادی و مس در اردیبهشت ۹۷، شاهد رشد ۹۶ میلیون‌دلاری صادرات به کشورهای عراق و افغانستاد در مقایسه با ماه قبل از آن بوده و این علت نه‌شخص است که مقصد واقعی محصولات عراق با افغانستان نبوده است و عمدتا برای استفاده از فرصت ایجادشده مقاصد اقتصادی تغییر کرده‌اند». شاید این تغییر استراتژی مجموعه‌های اقتصادی بزرگ که از انواع رانت‌ها ازجمله رانت انرژی برخوردارند، منجر شد که دولت تصمیم خود در زمینه نحوه تجارت با دو کشور همسایه را تغییر دهد.

##### بخش‌نامه‌جدیدبانک مرکزی ورفع استثنا

بخش‌نامه ۱۸ شهریور بانک مرکزی از این حکایت دارد که ارز حاصل از صادرات به عراق و افغانستان باید به سامانه نیما بازگردد. این تصمیم بانک مرکزی با واکنش بخشی از فعالان اقتصادی مواجه شده است. علی لشکری، دبیرکل جامعه صنعت کفش ایران، به ایسنا گفت: با توجه به اینکه ساختار کشورهای عراق و افغانستان متفاوت از دیگر کشورهاست و صادرات به این کشورها به صورت ربالی انجام می‌شود، امکان انتقال ارز از طریق سیستم بانکی وجود ندارد و چنین تصمیمی صادرکنندگان به کشورهای عراق و افغانستان را با مشکل مواجه کرده است. به گفته او درحال‌حاضر حدود ۸۸ درصد از صادرات انواع کفش از ایران به کشورهای عراق و افغانستان صورت می‌گیرد، هرگونه خللی در صادرات این دو کشور می‌تواند صنعت کفش را با چالش جدی روبه‌رو کند. با وجود اعلام نگرانی صنعت کفش درباره تصمیم جدید دولت، مجیدرضا حریری، عضو اتاق بازرگانی، اظهاراتی نظیر حفظ اشتغال و… را بهانه‌هایی برای نبود شفافیت در تعاملات تجاری دانست.

او به «شرق» گفت: به‌رحال خریداران کشورهای عراق و افغانستان باید ارز خود را در ایران به ریال تبدیل کنند و کالا خریداری کنند. اگر این مسیر شفاف نباشد، اختلال در مبادلات ایجاد می‌کند و پول حاصل از این تجارت می‌تواند صرف واردات قاچاق شود. به گفته حریری، حتما باید رفت‌وآمدهای پول در کشور رصد شود، اما قطعا سامانه نیما به دلیل خلایای زیادی که دارد، نمی‌تواند به‌طور کامل شفافیت ایجاد کند. او

سنگ خورد، خودش مستقیما اقدام کرد. فرمودند: خب کاری که نمی‌توانند بکنند. ما به نیکسون صدبرابر سخت‌تر از این جواب دادیم… عرض کردم با وصف این نمی‌توان راحت و فارغ‌البال بود. وقتی منافع آنها اقتضا بکند هر کاری از دستشان ساخته باشد می‌کنند… فرمودند درست می‌گویی، ولی به‌هرحال کاری از دستشان ساخته نیست. اینجا اگر کوچک‌ترین صدمه‌ای بخواهند به ما بزنند روس‌ها (شوروی) آنها را تنها و راحت نمی‌گذارند. عرض کردم بسیار دیدهایم که [آمریکایی‌ها] با روس‌ها توافقات کلی کرده‌اند. اگر منافع بی‌اندازه زیاد باشد چرا که نکنند؟ فرمودند فکر نمی‌کنم». این روایت جالب از اشتباه تحلیلی محمدرضا پهلوی درباره امکان اتحاد آمریکا و شوروی بر سر منافعشان علیه منافع نفتی ایران (که بعدها رخ داد و منجر به عقب‌نشینی ایران شد) با وجود تذکر علم، به‌خوبی نشان می‌دهد که نه‌تنها اتحاد اقتصادی کشورهای رقیب در عرصه سیاسی امری مسبوق به سابقه است، بلکه اجرای خواسته‌های ابرقدرت‌ها توسط اعضای اوپک، حتی به زبان منافع اوپک نیز چندان عجیب نیست. شاید به همین دلیل است که بیژن نامدارزنگنه، وزیر نفت ایران، روز پنجشنبه در گفت‌وگو با بلومبرگ خطاب به برخی کشورهای عضو اوپک که سیاست‌های آمریکا را در اوپک دنبال می‌کنند، گفت: روسیه برای مدتی کمک کرد و در وضع کنونی آنها مشکل ما نیستند. آنها هرچه بخواهند طبق منافع ملی خود به‌عنوان کشوری که یک تولیدکننده نفت غیرعضو اوپک است همکاری می‌کنند. اما من از کشورهای عضو اوپک انتظار بیشتری دارم و به‌ویژه در وضع کنونی درست نیست که دو عضو به سرمدمداری و ایفای نقش رهبری در جران ضدایرانی بپردازند. این کار نه در عالم همسایگی و نه در عالم همکاری صحیح نیست. آنها این موج ضدایرانی را پی می‌گیرند و سپس در همکاری با آمریکا همسو می‌شوند تا به ایران آسیب برسانند و برخی کشورهای غیرعضو اوپک را نیز با خود همراه می‌کنند.

##### ادامه در صفحه ۹

#### مدیریت نرخ ارز وافزایش اعتبار ریال



● از زاویه دید اقتصادی ارز کلایی است که مانند هر کلای دیگری منحنی عرضه و تقاضای خاص خود را دارد. براساس قوانین ساده اقتصاد، با افزایش قیمت ارز، تقاضا برای این کالا (ارز) باید کاهش یابد. از یک طرف با بالا رفتن قیمت ارز، قیمت کالاهای وارداتی افزایش یافته، واردات آن کالاهای کاهش می‌یابد و در نتیجه تقاضا برای ارز جهت خرید کالاهای وارداتی کاهش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش قیمت ارز برخی کالاهای صادرات‌شان پیش‌ازاین توجیه اقتصادی نداشت، صادر شده و ارز حاصل از آن در بازارهای داخل کشور عرضه شده و با افزایش عرضه، قیمت ارز تعدیل می‌شود؛ اما چرایی آنچه در عمل روی می‌دهد، داستان دیگری است.

نکته اول این است که این اتفاقات روی منحنی در یک لحظه قابل مشاهده است؛ اما در عمل ماه‌ها و شاید سال‌ها طول می‌کشد تا عرضه و تقاضا به یک نقطه تعادل جدید دست یابند؛ به‌ویژه برای کشوری مانند ایران. در ایران سمت تقاضا برای کالاهای وارداتی، به واسطه محدودیت‌های تجاری و نظام قیمت‌گذاری دستوری به سرعت نمی‌تواند سبکناک قیمتی صحیح را به جامعه ارسال کرده و تقاضا برای کالاهای ارزبر را کاهش دهد. در سمت عرضه نیز به واسطه تحریم‌ها و نبود زیرساخت‌های مناسب صادراتی و مداخلات دولت، از فرصت‌های پیش‌آمده ناشی از تضعیف پول ملی و ایجاد مزیت صادراتی برای بسیاری کالاها و خدمات تولید داخل، به سرعت و به شکل کافی نمی‌توان استفاده کرد. به‌عنوان مثال کشور ما سال‌هاست به واسطه تضعیف بیش از حد ریال، برای گردشگران خارجی یکی از ارزان‌ترین کشورهای دنیاست؛ اما میزان گردشگرانی که از کشور ما بازدید می‌کنند، با ظرفیت‌ها و امکانات موجود و کم‌هزینه‌بودن این سفر تناسب ندارد.

نکته دیگر اینکه برخلاف دید کلان اقتصادی، از دید مالی و سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در کوتاه‌مدت، رشد نرخ ارز نه‌تنها باعث کاهش تقاضا و افزایش عرضه نشده؛ بلکه در هر دو سمت اتفاقی معکوس رخ می‌دهد. جهت‌گیری‌های شناختی، ترس و طمع باعث می‌شود اشخاص حقیقی و حقوقی جدیدی وارد بازار خرید ارز شوند؛ اشخاصی که نیاز مشخصی نداشته و صرفا با دید کسب سود وارد این بازار می‌شوند. ورود سرمایه‌های جدید برای خرید ارز، یک بار دیگر باعث می‌شود نرخ ارز افزایش یابد. در ادامه شرکت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی واردکننده کالا و خدمات نیز نگران شده و به مقداری بیش از نیاز متعارف خود و به منظور تأمین نیازهای ماه‌های آتی وارد میدان شده و مجدد موجب رشد تقاضا و قیمت می‌شوند. این رشد مجدد نرخ ارز باعث می‌شود اشخاص بیشتری متقاعد شوند که تضعیف ارزش پول ملی دامنه‌دار بوده؛ بنابراین وارد میدان خرید هرچه بیشتر از و دلار شوند. هم‌زمان رشد ادامه‌دار و تدریجی نرخ ارز، صادرکنندگان و دارندگان منابع ارزی را که به صورت معضول می‌شوند، متعارف از صادراتی خود را در بازار عرضه می‌کنند، دچار تزلزل کرده و با امید به کسب سود بیشتر فروش ارز خود را با تأخیر انجام می‌دهند. (دقیقا منطبق با اتفاقی که در عالم واقع و هم‌اکنون در حال رخ‌دادن است) یعنی خلاف تئوری‌های ساده اقتصادی افزایش نرخ ارز باعث افزایش عرضه نمی‌شود. در عمل تقاضاهای پیشگیرانه و سفته‌بازانه و در مقابل عرضه ناکافی ارز باعث افزایش بیش‌ازپیش قیمت در بازار می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، با تغییر نرخ ارز مدت‌ها طول می‌کشد عرضه و تقاضا نقطه تعادل جدید برای خود را بیابند. این فاصله و فتره زمانی تا رسیدن به یک تعادل پایدار قیمتی اگر به‌درستی مدیریت نشود، جایی است که جولانگاه سفته‌بازان و حتی عوامل بیگانه شده و می‌توانند باعث بی‌ارزش‌شدن پول کشور و گریزان‌شدن بی‌دلیل مردم از اسکناس ریال شود. ایران کشوری است با منابع و ظرفیت‌های فراوان. چنین کشوری با مدیریت صحیح اقتصادی به‌خوبی می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت از ارزش پول ملی خود در مقایسه با ارزهای خارجی دفاع کرده و آن را حداقل در درون مرزهای کشور و تا حدی در میان همسایگان مستقیم خود به‌عنوان یک واحد پولی قابل‌استفاده و قابل اعتماد تثبیت کند. برای مثال قبل از بروز شوک‌های ارزی، در افغانستان، عراق و حتی عربستان پول ایران مورد پذیرش مغازه‌داران و فروشندگان کالا و خدمات بود؛ اما امروز حتی در داخل کشور، مردم از ریال فرار کرده و سعی در تبدیل منابع و سپرده‌های خود به ارز دیگری غیر از ریال دارند. با عنایت به توضیحات بالا و دید اقتصاد کلان مالی و سرمایه‌گذاری نسبت به مقوله نوسانات، باید نرخ ارز با تغییر تدریجی و تنظیم تدریجی عرضه و تقاضا متناسب با مابه‌التفاوت نرخ تورم ایران و جهان رشد می‌کرد؛ رویه‌ای که قانونی بود؛ ولی اجرا نشد.

##### ادامه در صفحه ۵